



متن وصیت نامه نورالدین کیانوری

این وصیت نامه در سال ۶۵ وقتی فطر اعدام او را تهدید می کرد، نوشته شد! و در سال ۶۷ که بار دیگر اعدام او در جریان قتل عام زندانیان سیاسی مطرح بود، آن را نوشت. به همین دلیل، این وصیت نامه دو تاریخ دارد.

{... من، نورالدین کیانوری، از طرف دادگاه شرع انقلاب مرکز (تهران) به اعدام محکوم شده ام و پیش از اعدام نکات زیر را بعنوان وصیت خود، در کمال آزادی می نویسم:

۱- اولین درخواست من این است که جسد من پس از اعدام به سالن تشریح دانشکده پزشکی تهران تحویل داده شود تا دانشجویان، که پزشکان آینده کشورند، با قطعه قطعه کردن جسد من بتوانند به بیماری های گوناگونی که مبتلا به آن هستم پی برده و ضمن تشریح، به اندازه یک ذره کوچک با آن آشنا شوند، تا از این راه من بتوانم باندازه یک ذره کوچک برای آموزش جوانانی که فردا در سرا سر کشور به درمان محرومان جامعه ما خواهند پرداخت، کمک نمایم.

۲- دومین درخواست من اینست که پس از تشریح، قطعات جسد من بدون هیچگونه نام و نشان، در چاله ای و در جایی ناشناخته به زیر خاک چال شود.

۳- از لحاظ مالی من صاحب هیچ ثروتی در ایران نیستم، غیر از چند دست لباس که با خود از خارج کشور آورده ام.

۴- از لحاظ سیاسی من بعنوان یک کمونیست معتقد به مارکسیسم - لنینیسم، که از انقلاب بهمن ۵۷ دفاع می کند به پای چوبه اعدام می روم.

۵- از همه دوستان و آشنایانم و بستگانم خداحافظی می کنم و از هر بدی که از سوی من نسبت به آنها شده از ته دل پوزش می خواهم.

۶- از همسر عزیزم، اگر پیش از اعدام نتوانستم او را ببینم، یک دنیا پوزش می طلبم و امیدوارم که او مرا به مناسبت بدی هائی که در مدت چهل سال زندگی شیرینی که با هم داشتیم نسبت به او کرده ام، ببخشد.

۷- از کلیه افراد حزب، از همکارانم در رهبری گرفته تا افرادی که من آنها را نمی شناسم، از هواداران و جوانان عضو سازمان جوانان که به علت اشتباهات من، بعنوان دبیر اول کمیته مرکزی دچار گرفتارهای بزرگ و حتی کوچک شده اند، در این آخرین لحظه حیات، از ته دل پوزش می خواهم و از این جهت عمیقاً درد می کشم. من به مسئولیت سنگین خود در این زمینه عمیقاً آگاهم و حتی جرات نمی کنم که از آنها خواش کنم که مرا ببخشند.

با پوزش از همه - مهرماه ۶۵ و شهریور ۶۷